

بررسی تاثیرات دیپلماسی اقتصادی در امنیت مرزی ایران و ترکیه

نوع مقاله: پژوهشی

مهدی نجفی^۱

جلیل نایبیان^۲

پرویز احدی^۳

محمد یوسفی جویباری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۵

چکیده

امنیت در واقع تلاش برای مقابله و مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی و رفع و کاهش آسیب‌های داخلی و ایجاد شرایط مناسب و مطلوب برای بارور شدن قابلیت‌ها، تامین آرمان‌ها و ارزش‌های مطلوب جامعه انسانی و ارتقا کیفیت و سطح زندگی انسان هاست و مرز منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعدی خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا، اشراف کار می‌باشد. امنیت و ضرورت ایجاد آن از اصول بسیاری است که در کلیه ی جوامع و مکاتب بر آن تاکید شده است. در واقع امروزه، به علت ماهیت فضایی روابط بین دولت‌ها فامنیت و بقای ملی دولت‌ها تحت تاثیر نوع فضای سیاسی مسلط بر فضای پیرامونی، منطقه‌ای و جهانی است که بیشتر جنبه ی امنیتی به خود گرفته است و بازیگران متعدد و زیادی نیز به طور همزمان در روابط بین المللی به ایفای نقش می‌پردازند این تعدد و زیادی عوامل و بازیگران بین المللی موجب پیچیدگی روابط بین المللی می‌شود و نظام بین المللی بر خلاف جامعه داخلی فاقد حکومت و اقتدار مرکزی است. نبود حکومت و اقتدار مرکزی بدان معناست که در سیاست بین المللی نظم سلسله مراتبی و ناظمی وجود ندارد که روابط بین کشورها را تنظیم کند، که نظریه‌ها و تحلیل‌گران سیاست بین المللی را سرشار از منازعه و جنگ بدانند که در آن جایی برای همکاری، همگرایی و کارکرد رژیم‌های بین

^۱دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز hosseinmk2016@gmail.com

^۲دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران (نویسنده مسئول) jnayebian@gmail.com

^۳استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران و استاد مدعو parvizand@gmail.com

^۴دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

^۴دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

yousefijouybari@iaut.ac.ir

المللی نیست، به ویژه آن‌ها همکاری بین واحدهای ملی و کشورها را نا ممکن یا دست کم بسیار سخت و دشوار نموده است اما همگرایی منطقه ای، متضمن وجود و ایجاد ساختارها، نهادها و ترتیبات منطقه‌ای بین حکومتی یا فوق ملی است. که هماهنگی رفتار و سیاست‌های کشورهای عضو در حوزه‌های موضوعی مختلف می‌پردازند و همگرایی منطقه‌ای را می‌توان در مسائل اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی بررسی نمود.

کلمات کلیدی: مرز، امنیت، بازیگران بین المللی، همگرایی منطقه ای، دیپلماسی، سیاست خارجی، ایران، ترکیه
طبقه بندی JEL: K00, E60, f50



مقدمه

علل و عوامل و متغیرهای بسیاری در روابط بین‌المللی تأثیر گذارند. که بازیگران متعددی در روابط بین‌المللی به ایفای نقش می‌پردازند که این بازیگران یا در منطقه هستند یا فرامنطقه‌ای می‌باشند که نقش کلیدی داشته و در امنیت تأثیر گذار بوده است. بی تردید بدون امنیت هیچ برنامه‌ای در کشور قابل اجرا نبوده، در واقع مقوله امنیت تا به آن جا اهمیت دارد که هرگونه فعالیتی نیاز به بستری ایمن و مطمئن در سطوح مختلف جامعه داشته باشد، همه و همه در گرو امنیت است و به عبارت دیگر امنیت در زمره اهداف، منافع و ارزش‌های اصول و پایدار جامعه است. این امنیت با همگرایی منطقه‌ای و دیپلماسی و سیاست خارجی میان دولت‌های هم‌مرز نقش آفرینی نموده و اگر بازیگران بین‌المللی بخواهند با نفوذ خود ایجاد ناامنی نمایند گفتمان همگرایی و دیپلماسی باعث خواهد شد که فرآیند راهکارها و راهبردهای مقابله و تهدیدات برای خود جایگاه خاصی پیدا کند. امنیت به طور کلی یعنی تداوم اموری مانند: سلامت جسم و فکر و روح، همبستگی خانواده، جریان سرمایه گذاری فیزیکی و انسانی و جریان مصرف معقول و همچنین انتظارات افراد جامعه از تداوم آئی امور به سمت بهتر شدن به گونه‌ای که موقعیت موجود و بهبود این امور، از تعرض و گزند عوامل مخرب مختلف در امان باشند (متقی، ۲۵: ۱۳۷۷).

امنیت مرز یک موضوع تک بعدی نیست بلکه یک مقوله مرکب است. پاسداری از مرز یعنی پاسداری از فرهنگ، پاسداری از هویت، پاسداری از ملیت و استقلال و غیرت است که ایجاد حسن همگرایی ملی و اسلامی در مناطق مرزی، ارتباط با کشورهای همسایه به صورت دیپلماسی که به دنبال خود ارتباطات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با خود خواهد داشت که مرزهای جغرافیایی و مسائل مختلف مربوط به آن، در سیاست‌های داخلی و خارجی هر کشور اثر داشته و دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. مرز مهم‌ترین عامل در روابط سیاسی دو کشور محسوب می‌شود. اگر امنیت کشوری از طرف مرزهای مشخصی مختل و ناآرام می‌گردد. مسلماً روابط بین آن کشورها تیره و در صورت افزایش همکاری، بحران به وجود آمده قطع خواهد شد. به طوری که اگر دو کشور ایران و ترکیه دارای روابط سیاسی حسنه باشند هرگونه همکاری را در تأمین امنیت مرز مشترک به عمل خواهند آورد و به نفع هر دو کشور خواهد بود. مرزها تأثیرات مستقیم و گسترده‌ای برای استقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، کنترل و حاکمیت هر دولت را به قلمرو و مردم خود نشان می‌دهند. مرزها دارای نقش‌ها و کارکردهای گوناگونی هستند و اگر چه از نظر تاریخی بهترین کارکرد مرز، جدا کردن دو ناحیه سیاسی و دو گروه از مردم بوده و هست. اما با گذشت زمان و پیشرفت‌های به وجود آمده در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فناوری و ارتباطات امروزه کارکردهای جدیدی برای مرزها تعریف شده است.

مهم‌ترین عامل را می‌توان در روابط سیاسی دو کشور همسایه ایران و ترکیه مشاهده نمود. اگر دو کشور ایران و ترکیه دارای روابط سیاسی حسنه باشند هر گونه همکاری را در تامین امنیت مرز مشترک به عمل خواهند آورد. در مقابل چنان چه اختلافات سیاسی عمیق بین دو کشور وجود داشته باشد، نه تنها هیچ گونه همکاری نخواهند داشت بلکه هر یک از طرفین با به کارگیری تمامی امکانات خود، سعی در ناآرامی در مرز و ایجاد اختلال در امنیت داخلی کشور مقابل خواهد شد. مرزهای بین‌المللی ایران و ترکیه، تاثیر عمیقی بر چگونگی فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی روابط و مبادلات مرزی مرزنشینان و نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی مناسبات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میان دولت‌ها به عهده دارد. با توجه به ویژگی خاص مرز، ضرورت دارد دولت‌های هر یک از کشورهای ایران و ترکیه اعمال حاکمیت قوی در منطقه سرزمینی خود داشته باشند تا مرز از دو سوی آن کنترل شود. اگر یکی از کشورهای ایران و ترکیه به علل مختلف از جمله ناآرامی‌های داخلی، مشکلات اقتصادی، فساد اداری و مالی و یا وجود حکومت‌های غیرمنسجم نتواند در سراسر مرزهای خود اعمال حاکمیتی قوی بنماید، کشور همسایه نیز نمی‌تواند به نتیجه مطلوبی در تامین امنیت مرز برسد.

وجود تفاوت زیاد در قدرت اقتصادی دو کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا و خدمات و تسهیلات و بازار کار در دو سوی مرز می‌گردد. باعث قاچاق کالا و تردد غیرقانونی از مرز و در نتیجه ناامنی در منطقه مرزی می‌شود. بالا بودن شرح مالیات گمرکی، عوارض گمرکی، محدودیت‌های وارداتی، اختلاف قیمت در دو سوی مرز، وجود انحصار در زمینه واردات یا صادرات، تقاضای موثر بازار داخلی برای جذب کالاهای وارداتی به صورت قاچاق (البسه و وسایل آرایشی و بهداشتی از ترکیه به ایران، افزایش بیکاری در سطح جامعه می‌توانند انگیزه برای قاچاق باشند. اما دلیل و انگیزه اصلی مرزنشینان که به این امر قاچاق مبادرت می‌ورزند، وضعیت بد اقتصادی و ناتوانی در تامین مایحتاج زندگی خود از راه‌های قانونی باعث می‌شود که مدام مرزنشین به خاطر کمبود اشتغال بازبچه سرمایه داران بزرگ قرار گرفته و اقدام به واردات کالا به صورت قاچاق و غیرقانونی نمایند. قاچاق کالا برای اقتصاد کشور بسیار مخرب بوده و امنیت ملی و مرزی را نیز به خطر می‌اندازد. وجود قاچاق در مناطق مرزی به خصوص اگر توسط مرزنشینان صورت بگیرد. باتوجه به جوسازی و تبلیغات بیگانگان و کشورهای همسایه بسیار خطرناک است و باید همه امکانات برای جلوگیری از این پدیده مخرب بسیج شوند. امنیت حمایت ملت از جمله فیزیکی و مصون نگه داشتن فعالیت‌های اقتصادی آن از جریانات ویران کننده بیرونی می‌باشد. (هافمن، ۱۹۸۱: ۴۰۵).

پس از جنگ جهانی دوم، مفهوم امنیت ملی متحول شد و دستکم سه نوع آمادگی را در بر می‌گیرد:

الف- آمادگی سیاسی که از چندین طریق بدست می‌آید: امضا پیمان نامه‌های دفاعی به منظور مقابله با تجاوز، استفاده از بحرانهای بین المللی اصلی جهت اجرای اهداف سیاسی، تعیین و اجرای سیاست‌های موثر با اتکا به مردم، مذاکره برای جلوگیری از وقوع عواملی که می‌تواند موجب بروز خشونت شود و نهایتاً بهره‌گیری از سیستم امنیت بین المللی به منظور امنیت خود.

ب- آمادگی اقتصادی که به معنی دارا بودن منابع طبیعی لازم و کافی ظرفیت صنعتی و مهارت تکنولوژیک برای فراهم نمودن امکاناتی که قدرت را بالا ببرد از جمله تسلیحات نظامی و سرانجام قدرت مالی به منظور پرداخت هزینه‌های مذکور، بدون آنکه مجهز به بحران اقتصادی شوند.

ج - آمادگی نظامی که شامل یک برنامه دقیق دراز مدت دفاعی، جهت مقابله با دشمن و نگهداری و آموزش نیروهای نظامی، مدرنیزه و کارآمودن تجهیزات نظامی و نیز اتحاد و پیوند هماهنگی بین مردم و ارتش در مواقع جنگ و بحران (خوشوقت، ۱۳۷۵: ۲۱۵).

۱. سوالات و فرضیه‌ها تحقیق

سوال اصلی

- نقش دیپلماسی و سیاست خارجی در امنیت مرزی ایران و ترکیه چیست؟

سوال فرعی

- روابط میان ایران و ترکیه در امنیت مرزهای شمال غرب کشور چه تاثیری دارد؟
- نقش عوامل ژئوپولتیک در بحران مرزی ایران و ترکیه چیست؟
- کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران مرزی ایران و ترکیه چه جایگاهی دارند؟

فرضیه اصلی

- دیپلماسی و سیاست خارجی در امنیت مرزی ایران و ترکیه نقش اساسی دارد.

فرضیه فرعی

- روابط میان ایران و ترکیه در امنیت مرزهای شمال غرب کشور تاثیر بسزایی دارد.
- عوامل ژئوپولتیک در بحران مرزی ایران و ترکیه نقش اساسی دارد.
- کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران مرزی ایران و ترکیه از جایگاه مهمی برخوردارند.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱. خصوصیات و ویژگی‌های مناطق مرزی ایران و ترکیه:

می‌توان به شکل زیر جمع بندی و مورد تحلیل قرار داد:

(۱) دوری از مرکز: یکی از ویژگی‌های اصلی مناطق مرزی، دوری از مرکز کشور است. این خصوصیت که عمدتاً ناشی از طبیعت مناطق مرزی است، موجب بروز دو پیامد نهان و عینی می‌شود. ذهنیت دوری از مرکز، باعث دوری تعلقات، دوری فکری و دوری تفاهمات با مرکز می‌شود. در بعد عینی نیز باعث کاهش عمران و آبادانی این مناطق و تشدید محرومیت به دلیل ضعف نظام تصمیم‌گیری سیاسی، اداری، قضایی و اجرایی و دوری مسئولین مرکز نشین از مشکلات این مناطق می‌شود که کاهش کنترل مرکز به این مناطق، عدم تعادل منطقه‌ای، عدم گرایش به جذب فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها از آثار و پیامدهای منفی دوری از مرکز بوده است. دوری از مرکز، تحت تاثیر آثار و پیامدهای منفی مواجه با انواع آسیب‌پذیری‌هایی می‌شود که زمینه مناسبی برای بروز تهدیدات فراهم می‌سازد که آسیب‌هایی هم چون از دست دادن کنترل بخش مناطق مرزی، پیدایش مناطق فقیر در جوار مرزها، فقیرتر شدن مناطق مرزی و غیر مولد شدن آنها رواج اقتصاد غیرقانونی بوده که هر یک در ایجاد بحران در نوار مرزی نقش به‌سزایی داشته که امنیت را به خطر می‌اندازد.

(۲) انزوای جغرافیایی: این خصوصیت، عمدتاً ناشی از انطباق مفاهیم اقتصادی و جغرافیایی به یکدیگر است. انزوای جغرافیایی باعث جدا افتادگی میان مناطق مرزی و مناطق داخلی کشور شده و پیامدهای منفی به همراه داشته است.

(۳) ناپایداری سکونت: یکی از ویژگی‌های مناطق مرزی داشتن جمعیت ناپایدار و ناپایداری در سکونت است. این پدیده بر اثر دو دلیل عمده به وجود می‌آید: ۱- توسعه نیافتگی ۲- حاشیه‌ای بودن (نجفی، ۱۳۹۶: ۷۰)

(۴) تبادلات مرزی غیر قانونی: تبادلات غیر قانونی در شرایطی بروز می‌کند که کشورها پیش بینی‌های لازم جهت انجام مبادلات متقابل مناطق همجوار را نکرده باشند که آثار و پیامدهای منفی در مبادلات غیرقانونی به همراه بوده است:

- جدا افتادگی و گسستگی میان اقتصاد مناطق مرزی و مناطق داخلی کشور.
- رواج بدهکاری و اعمال غیر قانونی.
- جدا افتادگی ذهنی و عینی و نظام مدیریتی کشور.
- تضعیف امنیت ملی و تقویت امکان نفوذ از خارج.

- تضعیف اقتصاد منطقه و تشدید عقب ماندگی.
- متوقف کردن جریان فعالیت‌های توسعه‌ای در منطقه.
- ۵) تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی با مناطق داخلی کشور: از ویژگی‌های نسبتاً عمومی و جهان شمول مناطق مرزی تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی با مناطق داخلی کشورهاشان است و آثار و پیامدهای منفی به دنبال دارد. تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی عبارتند از:
 - گسست در وحدت ملی و انسجام کشور.
 - رواج نگاه مناطق مرزی به مناطق همجوار.
 - فراهم شدن امکان نفوذ فرهنگ مخالف وحدت ملی در مناطق مرزی.
 - واگرایی نسبت به داخل و همگرایی به خارج که باعث کاهش ضریب امنیت و قدرت دفاعی کشور می‌شود.
- عقب ماندن از روند توسعه و برنامه‌های توسعه کشور، که باعث ضعف بنیان‌های اقتصادی منطقه و در نتیجه ضعف امنیت و دفاع منطقه می‌شود.
- ۶) ضدیت سیستمی: از دیدگاه سیستمی، مناطق مرزی حداقل متعلق به نظام داخلی و به دلیل مجاورت با کشورهای همسایه تحت تاثیر فضاهای همجوار و محیط بیرونی است. آثار و پیامدهای منفی ضدیت سیستمی باعث فاصله گرفتن سیستم اداری، امنیتی و فرهنگی از سیستم کنترل حاکمیت شده و نزدیک شدن این سیستم به سیستم خارجی و تحت تاثیر آن قرار گرفته و افزایش قدرت نفوذ سیستم‌های خارجی شده و به نحوی در ایجاد بحران مرزی سهیم بوده است.
- ۷) تهدیدات خارجی: مناطق مرزی هم چون پوست بدن در ارگانیزم زنده، حکم حداقل (در درون و برون) را در مقابله با تهدید و ناامنی خارجی دارد. به این دلیل مناطق مرزی اصولاً در معرض انواع تهدیدات خارجی به ویژه تهدیدات نظامی قرار دارد که عکس‌العمل کشور مقابل و حضور گروهک‌های تروریستی در نوار مرزی، فعالیت نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای فرامنطقه‌ای در منطقه که به تمهیدات لازم و منطقی از سوی مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران تمامی طرح‌ها و برنامه‌های منزوی نمودن ایران اسلامی با شکست روبه رو شود و تاکنون یک سری اقدامات بهینه و منطقی در نوار مرزی ایران و ترکیه و مدیریت صحیح در بحران‌های عراق و سوریه از سوی کشورمان خبر مایوس کننده به آن نیروهای بیگانه به ارمغان آورده است.
- در یک نگرش کلی، کارکرد و نقش‌های مختلف مرزهای بین‌المللی را می‌توان در قالب دو گروه طبقه بندی کرد:

(۱) کارکرد دفاعی-امنیتی مرز:

اگر به مرزها به عنوان پدیده‌ای نگریسته شود که قلمرو اعمال حاکمیت و قدرت حکومت بر مردم و منابع تحت نفوذش را تعیین کرده و در مقابل نفوذ، دخالت و استفاده حکومت و مردم کشور همسایه ممانعت ایجاد می‌کند. از این منظر مهم‌ترین کارکرد مرز ایجاد مانع و عامل بازدارنده است. بدین معنی که مرزها از ورود و خروج هر پدیده‌ای که در اعمال قدرت و حاکمیت آن کشور اخلاص ایجاد کند، ممانعت به عمل می‌آورند (رحمتی راد، ۸: ۱۳۷۴).

(۲) کارکرد ارتباطی-تجاری:

دومین کارکرد مرز، که کاملاً در جهت مقابل کارکرد بازدارندگی قرار دارد، کارکرد ارتباطی مرز است. بدین معنی که برخلاف کارکرد بازدارندگی، که به عنوان یک مانع نگریسته می‌شود. در کارکرد ارتباطی، مرز به عنوان یک پل ارتباطی عمل می‌کند که تسهیل کننده ارتباطات تجاری، فرهنگی، توریستی و... بین مردم دو کشور به ویژه مرزنشینان می‌باشد. بر این اساس برخلاف کارکرد بازدارندگی مرز که به دنبال تقویت قدرت نفوذ ناپذیری مرز می‌باشد و نگاه غالب به آن نگاه امنیتی-سیاسی است و از سوی دیگر نقش و کارکرد مرزها در همه مناطق جهان یکسان نیست و با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و... نوع کارکرد مرزهای بین المللی نیز متغیر است. (همان منبع). به طور کلی عوامل ژئوپولیتیکی مختلفی بر نقش و کارکرد مرزها تأثیر می‌گذارند، که از جمله می‌توان به مواردی چون: نظام‌های سیاسی کشورهای همسایه در دو سوی مرز، ویژگی‌های اقتصادی مرزنشینان، نوع نگرش و رفتار حکومت‌ها نسبت به مرز، ذخایر و منابع طبیعی موجود در منطقه مرزی، پیمان‌های سیاسی-نظامی کشورهای هم مرز با قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بازیگران بین المللی، دیپلماسی و سیاست خارجی و... اشاره کرد.

۲-۲- همگرایی منطقه‌ای:

همگرایی عبارت است از فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف نظر و از یک قدرت فوق پیروی می‌کنند. (قوام، ۲۴۸: ۱۳۸۰). یکی از ویژگی‌های روابط بین الملل پس از جنگ جهانی دوم، رشد و توسعه همگرایی منطقه‌ای در چارچوب منطقه‌گرایی و منطقه شدن بوده است. این پدیده که نخست در اروپا آغاز شد پس از فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی تشدید و تقویت شده است به گونه‌ای که هم‌گرایی منطقه‌ای و منطقه‌ای شدن در اثر شدن یافتن جهانی شدن، فراتر از مناطق توسعه یافته در مناطق درحال توسعه نیز به صورت یک الگوی تعامل در آمده است. از این رو، منطقه‌ای

شدن، منطقه‌ای گرای و هم‌گرایی منطقه‌ای که روزگاری در قالب همگرایی اروپایی تعریف میشد، امروز فراتر از اروپا رفته و در ساختارها و سازمان‌هایی چون اتحادیه آفریقا و آسه آن، اکو، نفتا و سازمان کشورهای آمریکایی تجلی و تبلور یافته است (دهقانی، ۱۷۵: ۱۳۹۵).

همگرایی منطقه‌ای به معنای عام و جامع فرایندی می‌باشد که دو یا چند ملت _کشور مستقل و با داشتن حاکمیت در یک موقعیت جغرافیایی برای دستیابی به منافع مشترک در خصوص مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اجتماعی با همکاری و تصمیم‌گیری‌های مشترک به توافق برسند و در رشد هنجارها و قواعد و توافقات رسمی به نتایج مطلوب برسند.

۱-۲-۲- انواع همگرایی منطقه‌ای:

هم‌گرایی منطقه‌ای پدیده‌ای چند بعدی و چند وجهی است و میتوان به چهار گونه‌ی اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی _ اجتماعی تقسیم کرد:

- همگرایی اقتصادی:
- همگرایی سیاسی:
- همگرایی امنیتی:
- همگرایی فرهنگی و اجتماعی: (دهقانی، ۱۷۸: ۱۳۹۵).

۳-۲- انواع دیپلماسی:

۱- دیپلماسی امنیتی و دفاعی:

مهمترین کارکرد و دستور کار دیپلماسی کلاسیک و سنتی تامین امنیت ملی از طریق حفظ صلح و فرایند ائتلاف سازی می‌باشد به نحوی که دیپلمات‌ها به صورت دو و چند جانبه با مذاکرات قواعد و هنجارها و اصول و نهادهای حافظ صلح را تدوین نموده و از وقوع جنگ جلوگیری نمایند. موضوع تامین امنیت ملی و بقاء در صدر اولویت و دستور کار دیپلمات بوده و تامین امنیت و بقاء مهمترین هدف دیپلماسی کشورها به شمار می‌رود. لذا دستور کار دیپلماسی امنیتی _ نظامی نیز تحول یافته و تغییر کرده است، به کارگیری مسالمت آمیز ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نظامی در دیپلماسی دفاعی _ نظامی آن را از استفاده خشونت آمیز آن در چارچوب جنگ متمایز می‌سازد.

دیپلماسی امنیتی می‌تواند بستری مناسب جهت رشد و تعالی انسانها، توسعه ی اقتصادی و فرهنگی و ثبات اقتصادی و اجتماعی به همراه آورد. حیاتی‌ترین هدف و منفعت یک واحد ملی در صحنه ی بین المللی است و اصولاً هر نوع برنامه ریزی و حیات اجتماعی انسان بدون برخورداری از

امنیت متصور نیست و دیپلماسی امنیتی اگر به نحو احسن در نظر قرار نگیرد می‌تواند منجر به تهدید شود. تهدید علیه امنیت را می‌توان به تهدیدهای خارجی و داخلی تقسیم کرد. ولی لیکن تعیین دقیق خارجی یا داخلی بودن برخی تهدیدها بسیار دشوار است زیرا این دو نوع تهدید غالباً با یک دیگر پیوند دارد و وجود این می‌توان تهدیدهای خارجی علیه امنیت ملی را چنان بر شمرد که از جمله: تهاجم نظامی، مداخله نظامی آشکار، خودکامگی دولت‌ها، جنگ قدرت توطئه یا دسیسه، براندازی، برتری جویی نظامی و مسابقه تسلیحاتی، عملیات پنهان سیاسی، اختلافات مرزی، تبلیغات خارجی، دخالت در امور داخلی کشورها، نفوذ، تروریسم، کودتا، براندازی، بحران سیاسی و اجتماعی، مناقشات داخلی و بین‌المللی (لرنی، ۱۴۸: ۱۳۸۳).

دیپلماسی دفاعی که همان دفاع غیرنظامی می‌باشد با استفاده از خط مشی دفاعی سنتی و کنش‌های غیرنظامی است که دولت به منظور تضمین ظرفیت تام آن برای بقاء به عنوان موجودی سیاسی در جهت تأثیرگذاری و انجام اهداف ملی و بین‌المللی به کار می‌بندد. دفاع غیرنظامی، آن قسمت از خط مشی حکومت است که هدفش ایجاد شرایط سیاسی، ملی و بین‌المللی مساعد برای حفاظت یا گسترش ارزش‌های ملی بنیادین و اساسی علیه مناقشات موجود و بالقوه است ارزش‌های ملی بنیادین می‌تواند شامل ملاحظات امنیتی و ملی سنتی، از قبیل استقلال و تمامیت ارضی و همچنین موضوعاتی باشد که اهمیتشان با ظهور مشارکت سیاسی مردمی و آزادی سیاسی فزونی یافته است. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: اگر دشمن به شهرها و مرزهای مسلمانان هجوم آورد به همه ی مسلمانان دفاع از این حمله به هر وسیله‌ای که ممکن باشد واجب است خواه با جان یا مال و در این امر نیاز به اجازه حاکم شرع و حضور امام نیست (امام خمینی، ۴۸۵: ۱۳۶۹).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی برای حفظ مصالح دولت اسلامی و کسب استقلال برنامه ریزی شده است این استقلال زمانی امکان تحقق دارد که ایران از جنبه سیاسی تابع شرق و غرب نبوده و از بعد اقتصادی در نظر و عمل و همزمان الگوهای توسعه سرمایه داری و راه رشد غیر سرمایه داری سوسیالیستی را رد و طرح نمایند. البته تأکید بر قطع وابستگی را نباید به معنای قطع رابطه با خارج تلقی کرد بلکه تنها نپذیرفتن سلطه آمریکا و شوروی است. بدین خاطر رهبر انقلاب به نخبگان سیاسی و کارگزاران حکومتی توصیه می‌کند: «مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق و وسوسه‌های شیطانی شما را منحرف نکنند، نه منحرف به چپ باشید که دیکتاتوری به تمام معنا است و نه منحرف به غرب باشید که ظلم و ستم و به اسم حقوق بشر، برای همه حقوق بشر است (ازغندی، ۵۲: ۱۳۹۱). هرچند کشورهای جهان سوم با پایان یافتن سلطه ی رسمی استعمار به استقلال سیاسی دست یافته‌اند اما نژومارکیست‌ها ادعا می‌کنند که این کشورها کماکان تحت سلطه ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای غرب قرار دارد (آلوین، ۶۵: ۱۳۹۰).

کشور ترکیه که عضو ناتو بوده در راستای تعادل در قدرت منطقه‌ای توان بازدارنده‌ی موشکی ایران می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد هرچند استفاده از دیپلماسی امنیتی و نظامی در منطقه سوریه و عراق باعث برجسته شدن داعش از منطقه شده است اما با پخش شدن این گروهک تکفیری در سراسر جهان به ویژه در نوار مرزی ایران و ترکیه به عنوان (پژاک، پ.ک.ک) در ایجاد ناامنی و ضربه زدن به نحوی اقدامات ایزایی خواهد داشت و کشورهای غربی نیز در طول ۴۰ سال اخیر با عناوین مختلف گروهک‌های مختلف را پرورش دادند که می‌توان با نام‌های طالبان، القاعده و النصره نام برد و در این اواخر گروهک داعش که خسارات جانی و مالی فراوانی را به وجود آورد و جهان اسلام را از مسئله‌ی مهمی چون رژیم صهیونیستی که یکی از چالش‌های مرزی می‌باشد با ایجاد تفرقه میان مسلمین به دنبال اهداف خودشان بوده‌اند و هستند.

۲- دیپلماسی اقتصادی:

با انقلاب ارتباطات و اطلاعات و فرآیند جهانی شدن در دهه‌ی ۹۰ قرن بیستم و توسعه و گسترش آن در دهه‌ی نخست قرن بیست و یکم، روابط و مناسبات بین‌المللی وارد مرحله‌ی نوینی شد. جهانی شدن سازمان و ساختار و روابط اقتصادی بین‌المللی را دگرگون ساخته و ماهیت سیاست و حکومت در کشورها را تحت تاثیر قرار داده است. شبکه‌ای از روابط درهم تنیده و انواع مختلفی از وابستگی‌های متقابل و بازیگران فراملی و فروملی را پدید آورده است که حاکمیت و کارکردهای انحصاری دولت‌ها را به چالش طلبیده‌اند. آنان در عرصه سیاست فرا بین‌المللی و روابط فرا سرزمینی نسبت به منافع، سرمایه و بازار ادعای مشروعیت دارند. امروزه تدبیر و تنظیم روابط و امور اقتصادی-تجاری به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد و وجوه دیپلماسی در قالب دیپلماسی اقتصادی بازرگانی ضروری و حیاتی می‌باشد در همین راستا نیز دیپلماسی بازرگانی نیز ناظر به اقدامات دیپلماتیک در حمایت از بخش‌های بازرگانی، تجاری و مالی در جهت تامین دستاوردهای اقتصادی و توسعه ملی می‌باشد. هدف دیپلماسی بازرگانی افزایش و توسعه‌ی صادرات و تسهیل واردات سرمایه‌گذاری خارجی، گشودن بازارهای خارجی از طریق تاثیرگذاری بر سیاست‌های اقتصادی، تجاری و بازرگانی سایر کشورهای منطقه است (دهقانی، ۲۱۳: ۱۳۹۵). یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر کارکرد مرزها، نوع نظام‌های سیاسی در دو کشور همسایه و به تبع آن، نگرش آنها نسبت به یکدیگر و نوع روابط آنهاست. دولت‌ها به عنوان نماینده ملت و کشور خود ناگزیر از رابطه بایکدیگرند. از دیرباز این رابطه براساس نیازهای متقابل به ویژه در حوزه‌های تجارت و اقتصاد وجود داشته و امروزه بالاترین حجم و تنوع ارتباطات بین دولت‌ها نسبت به گذشته وجود دارد به گونه‌ای

که کشوری نمی‌تواند ادعا کند بدون رابطه با دیگران، بتواند به حیات خود ادامه دهد (حافظ نیا، ۵۵: ۱۳۷۹).

یکی از تکنیک‌های موثر در اجرای سیاست خارجی برای تحقق هدف‌ها و تامین منافع ملی، استفاده از ابزارهای اقتصادی، مالی و تجاری و فناوری است. مسلماً بهره‌گیری از حد به مزبور علی‌الاصول می‌باید در چهارچوب دیپلماسی و سیاست خارجی دولت‌ها صورت پذیرد. در این راستا دولت‌ها سعی می‌کنند دیگر دولت‌ها را به تغییر در رفتارهای سیاست خارجی وادار کنند، به گونه‌ای که دگرگونی‌های حاصل در داده‌های سیاست خارجی دیگران، منافع دولت استفاده‌کننده را از ابزارهای مورد نظر در پی آورد (قوام، ۲۱۸: ۱۳۹۰).

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران براساس قانون اساسی مختلط بوده و از ۳ بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تشکیل یافته است اما این ۳ بخش در توازن نبوده‌اند و فعالیت اقتصادی دولت و نقش دولت در اقتصاد با مشکلاتی روبرو شده است درحالی که در دهه‌های اخیر در مورد سیاست خصوصی سازی قدم‌هایی برداشته شده است اما مفید نبوده است و اقتصاد ایران برنفت تکیه زده است که این موضوع بسیار خطرناک است. اما بخش خصوصی در اقتصاد ترکیه تقویت و توسعه یافته است و بازاریابی منطقه‌ای و جهانی ترکیه به مراتب بهتر از ایران بوده و هست که در صنعت پوشاک - مواد خوراکی، ظروف شیشه‌ای و چینی جات در جهان و منطقه حرفی برای گفتن داشته است و بازار ایران را اجناس ترک به همراه اجناس چینی و کره‌ای تسخیر شده است. لذا اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران همانند سایر کشورها، توسعه اقتصادی، رفاهی، تکنولوژیک است زیرا تامین رفاه و وضعیت اقتصادی مطلوب علاوه بر افزایش قدرت اقتصادی کشور شرط لازم و ضروری برای توسعه توان قدرت نرم افزاری کشور محسوب می‌شود و از نظر عملی و نظری ۳ مدل توسعه درون‌گرا، برون‌گرا و مختلط قابل شناسایی است که اتخاذ هر یک از آنها سیاست خارجی خاصی را ایجاب می‌کند. زیرا راهبرد و سازوکارهای تحقق هر الگوی سیاست خارجی خاصی را ایجاب می‌کند. زیرا راهبرد و سازوکارهای تحقق هر الگوی توسعه، باتوجه به ماهیت آنها، با نوع خاصی از سیاست خارجی تناسب و هماهنگی دارد (دهقانی، ۱۰۷: ۱۳۹۲).

۳- دیپلماسی سیاسی:

دیپلماسی سیاسی که ارتباط و مذاکره دو کشور برای مدیریت، توسعه و تعمیق روابط متقابل می‌باشد. این نوع دیپلماسی به دنبال برقراری روابطی است که بقا و امنیت کشور را ارتقا داده و به روابط استراتژیک تبدیل می‌کند. دیپلماسی سیاسی می‌تواند دو جانبه یا چندجانبه باشد و یا در سطح بین‌الملل و منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد که نقش دیپلماسی سیاسی جهت جلوگیری

از شکل گیری تهدیدات برای هر کشوری از اهمیت مهمی برخوردار بوده و در جهت خنثی سازی تهدیدات قبل از عینیت یافتن و عملی شدن می‌باشد که نمونه بارز آن دیپلماسی سیاسی ما بین ایران_ ترکیه و عراق درخصوص فراندوم در اقلیم کردستان عراق که روابط دیپلماتیک و جلسات پی در پی در میان سران این کشورها این توطئه غربی، صهیونیستی با اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده همه جانبه و چند بعدی و استفاده از ابزارهای قدرت که یک تهدید منطقه‌ای محسوب می‌شود، سرانجام نتیجه‌ای حاصل نشد. سیاست خارجی ارزشها و منافع درون سرزمینی و خودنگر است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت-ملت جهت صیانت و سعادت خود در تعامل و رقابت با بازیگران بین المللی پیشگیری می‌کند. به عبارت دیگر، اهداف ملی سیاست خارجی برای حفظ، افزایش ارزشهای مکتسب، دارایی‌ها و مایملک جمهوری اسلامی ایران در مناسبات و تعاملات بین المللی تعقیب می‌گردد و اهدافی که مستقیماً منافع ملی ایران را تامین می‌کند میتوان به بقاء و امنیت ملی، استقلال و حاکمیت ملی، کسب و افزایش قدرت ملی، توسعه و رفاه اقتصادی و اعتبار و وجه مثبت بین المللی اشاره نمود (دهقانی، ۱۴۸: ۱۳۹۲). از دیگر عوامل موثر بر کارکرد مرزها، وجوه پیمان‌های سیاسی از طریق دیپلماسی سیاسی صورت گرفته کشورهای منطقه به دلیل ضعف قدرت علمی با قدرت‌های فرامنطقه‌ای پیمان‌های سیاسی-نظامی منعقد می‌کنند و بدین ترتیب زمینه را برای دخالت درک شور مذکور و حتی مناطق مرزی کشور مجاور فراهم می‌کنند و این مسئله وقتی حساس‌تر می‌شود که منافع دو کشور همسایه در تقابل با یک دیگر قرار داشته باشد و از این رو بخواهند در کشور مقابل ایجاد ناامنی بکنند.

ایران، در منطقه‌ای قرار گرفته که از دیرباز منطقه‌ی حضور و رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای محسوب شده است نفت و گاز، ویژگی‌های ژئواستراتژیک و برخی علایق مذهبی، زبانی، فرهنگی زمینه اصلی حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس، قفقاز، آسیای مرکزی، منطقه آناتولی و پاکستان و افغانستان بوده است براین اساس حداکثر تراکم حضور قدرت‌های بزرگ در جهان را می‌توان در مناطق پیرامونی ایران جست و جو کرد (کریمی پور، ۳۰: ۱۳۸۱).

اگر کشورهای پیرامونی ایران از نظر سیاسی نوپا محسوب می‌شوند به طوریکه به غیر از روسیه و ترکیه، عمر تاسیس آنها به یک قرن هم نمی‌رسد و امیرنشین‌های خلیج فارس به جز عربستان از نیمه دوم قرن گذشته به استقلال دست یافته‌اند و کشورهای شمالی ایران که شامل آذربایجان_ارمنستان و ترکمنستان نه تنها در سال ۱۹۹۱ میلادی به نقشه‌ی جغرافیایی سیاسی ظاهر شده اند. نوپویایی این کشورها نوعی وابستگی به قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را فراهم ساخته که منجر به انعقاد پیمان‌های سیاسی و نظامی بین این کشورها و قدرت فرامنطقه‌ای شده و زمینه برای دخالت را در امور داخلی کشورها فراهم می‌سازد حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه آمریکا،

انگلیس و کشورهای منطقه‌ای از جمله اسرائیل - عربستان با توجه به سابقه دشمنی و خصومت آنان با جمهوری اسلامی ایران بدون شک تأثیرات منفی بیشماری به امنیت ملی ایران به طور عام و امنیت مناطق مرزی به طور خاص خواهد داشت و رژیم صهیونیستی که دشمن اصلی خود را ایران اسلامی و حزب الله لبنان دانسته و رژیم آل سعود در عربستان به فکر آن بوده که خودش در منطقه قدرت اول باشد و افکار و اندیشه‌های تکفیری خود را گسترش دهد به نحوی با تنظیم قراردادهای نظامی در مقابل جمهوری اسلامی ایران به هر نحوی عرض اندام می‌نماید و با سرمایه‌گذاری‌های مختلف و حمایت‌های پولی و مالی از گروهک‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران و تحریک قومیت‌ها و ایجاد نا آرامی و نفوذ راهبرد جدید کشور عربستان به همراه آمریکا و اسرائیل و انگلیس علیه ایران بوده است و یکی از راهبردهای جدید موسسات استراتژیک آمریکا برای پروسه ی براندازی جمهوری اسلامی ایران برنامه ریزی شده است.

هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عمدتاً در پرتو مواضع سلبی، نقیضی و واکنش در برابر یک «دگر رادیکان خارجی به نام آمریکا معنا می‌یابد از نظرگاه گفتمانی، آمریکا برای سیاست خارجی ایران هم درد است و هم درمان، هم هویت ساز است و هم هویت سوز، به تعبیر دیگر، گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان سلطنت غیریت سازی و گفتمان جمهوری اسلامی با گفتمان غرب (حقیقت، ۶۴۴: ۱۳۹۴).

ایران در منطقه‌ای حساس و مهم استراتژیک واقع شده است و ایران از قدیم مورد چشم طمع خارجیان بوده است پرتغالی‌ها در سال ۱۵۰۶ میلادی به هرمز حمله کردند و قسمت اعظم جزایر سواحل خلیج فارس تحت حاکمیت خود درآوردند و بعد از پرتغالی‌ها کشور انگلیس به عنوان پادشاه کمک به ایران از امتیازات تجاری متعددی در خلیج فارس بهره جست و سپس هلندی‌ها در منطقه خلیج فارس حضور یافتند اما انگلستان رقیب اروپایی خود را از خلیج فارس بیرون راندند و با پیدایش نفت قدرت‌های جدیدی همچون آمریکا و آلمان و فرانسه وارد صحنه می‌شوند و از طرف دیگر روس‌ها از طریق شمال ایران و با سیاست دست یابی به آبهای آزاد خاک ایران را تسخیر نموده و ایران به عرصه ی قدرت‌های بزرگ اروپایی تبدیل شده و حیات سیاسی و اقتصادی آن تحت فشارهای متعارض قدرتهای استعماری قرار گرفت. و هرآنچه که می‌خواستند انجام دهند در ایران انجام دادند کودتا، نسب و عزل پادشاهان و نخست وزیران و نفت را به آن نرخ که خودشان می‌خواستند می‌خریدند و مبلغ ناچیزی به ایران می‌دادند دولت مردان ایران در طول تاریخ حق اظهار نظر نداشته، اینکه مصدق با ملی کردن صنعت نفت ایران و طرح دعوی علیه انگلستان و محکوم نمودن بریتانیای کبیر در شورای امنیت، این استعمارگر پیردرجهت انتقام گیری با کودتا دولت مصدق را سرنگون نمود و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کشورهای غربی از همان بدو

تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران طبق نفاق و جنگ را به صدا آورده و با حمایت از گروهک‌های ضدانقلاب و ترور شخصیت‌های سیاسی و انقلابی کشور و تحمیل نمودن ۸ سال جنگ تحمیلی و هجمه‌ی عظیم تهاجم فرهنگی و موادمخدر و مشروبات الکلی از یک سو و تحریم‌های اقتصادی از سوی دیگر در سدد مہارجمہوری اسلامی ایران بوده و در دهه ی ۹۰ با پروردان داعش در منطقه در مرحله اول تقسیم کشورهای عراق و سوریه به کشورهای کوچک بوده و در مرحله دوم ضربه زدن به ایران از طریق این گروهک بسیار خطرناک و تکفیری بوده است و از طرف دیگری یک سری از کشورهای منطقه‌ای در کنار کشورهای فرامنتطقه‌ای در مقابلہ باجمہوری اسلامی ایران و قدرت نرم ایران قدم‌هایی برداشته که کشور عربستان سعودی، اردن، امارات می‌توان نام برد و در حمایت از گروهک تکفیری داعش کشور ترکیه هم پیاله غرب بوده اما در اواسط کار و بعد از کودتای نافرجام ترکیه سیاست مداران ترک به سمت روس و ایران تمایل پیدا نمودند و از حمایت‌های آشکار و پنهانی خود از این گروهک‌ها دست برداشتند در واقع ترک‌ها به دنبال منافع خود قدم برمی دارند و در مسیری حرکت می‌کنند که منافع کشورشان تامین شود که دولت مردان جمہوری اسلامی ایران در دیپلماسی سیاسی می‌بایستی مدنظر خود قرار دهند.

۴- دیپلماسی فرهنگی اجتماعی:

توسعه و تحول بی سابقه فناوری، مہوارہ ہا، اینترنت، رسانہ ہا ارتباطات از راه دور به نوبہ خود باعث شکل گیری دیپلماسی فرهنگی و اجتماعی شده است و به خاطر نبودن مرز این نوع دیپلماسی سریع و آنی بوده و می‌تواند مخاطبین خود را تحت تاثیر قرار داده و تحرک بازیگران بین المللی و منطقه‌ای را بالا ببرد و این نوع دیپلماسی که رسانہ ہا از جمله یکی از مسائل مہم بوده است کہ به نحوی در فرهنگ و عقاید کشور مقابل می‌تواند اثرگذار باشد و رایزنی‌های فرهنگی مابین کشورها همسایه مفید و مثمرتر خواهد بود.

تقریباً همه رفتار اجتماعی به طور بالقوه تحت تاثیر ارتباط جمعی قرار دارد و ارتباط جمعی دارای چنان قدرتی هستند کہ می‌توانند نسل تازه‌ای برای اولین بار در تاریخ بشر پدید آورده و با سایر نسل‌ها متفاوت باشد. واقع رسانہ ہا به عنوان نظام مرکزی اعصاب جامعه عمل می‌کند و نقش کلیدی در تغییر رفتار انسانی داشته است و تکیه بر نقش‌ها و کاربردهای اجتماعی وسایل ارتباط جمعی در جهان سوم تاثیر فراوانی باقی گذاشته است و کانال‌های تلویزیونی ترکیه کہ فراوان بوده کہ از آن جمله *Lider*، *Stid AtvDtvAty*، *Gonaz*، *star* اشاره نمود کہ به خاطر برنامه‌های ترکی که دارند برای ساکنان شمال غرب کشور دارای طرفدارانی بوده و حتی کانال‌های تلویزیونی عراق با نام‌های *Noroz*، *MtvT Kurdstantv* کہ به همراه شبکه‌های احزاب مخالف جمہوری

اسلامی ایران به پخش برنامه‌های خود می‌پردازند این شبکه‌ها ضمن بیان سیاست‌های دولت خود به ترویج فساد و ابتذال فرهنگی و نقد حکومت جمهوری اسلامی ایران پرداخته و غیر از این شبکه‌های تلویزیونی به علت قاچاق گیرنده‌های ماهواره‌ای از مرز عراق و رواج این گیرنده‌ها در نوار مرزی و انتقال آن به سایر استان‌های کشور با حمایت غرب به پخش برنامه‌های سیاسی، فرهنگی و ارائه عقاید ضد انقلابی خود بوده و ترویج ابتذال و تهاجم فرهنگی را به همراه داشته است هر چند حضور این رسانه‌ها در جریان توسعه فرهنگی جوامع، فرصت‌های جدیدی را برای پذیرش نقش‌های فرهنگی پدید می‌آورد، اما نگرانی‌هایی، را در این حوضه دامن زده است نگرانی‌های موجود در خصوص نقش رسانه‌ها جمعی در حوضه فرهنگ و امنیت، گاه تاحدی است که این فناوری‌های ارتباطی را پدیده‌های ضدفرهنگی قلمداد کرده‌اند (باهر، ۱۳۸۵: ۴۰).

فروریختن ارزش‌ها و اخلاق جامعه و زوال شخصیت انسان توسط رسانه‌ها روی یکی از ابعاد مهم زندگی اجتماعی انسان، یعنی امنیت ملی به طور عام و امنیت مرزها به طور خاص تأثیر می‌گذارد این ادعا که اخلاق اساس امنیت داخلی و اجتماعی در جامعه است ادعای گزافی نمی‌باشد و کارکردهای منفی و امنیت سوز رسانه‌ها را می‌توان هم چون بحران سازی، تصویرسازی منفی، تشویش و تهییج افکار عمومی، بسط فرهنگ غیراستدلالی، استفاده ابزاری از مردم مخصوصاً جامعه زنان تحریف هنجارها و ارزش‌ها، بهره برداری حزبی از ارزش‌های ملی نام برد. بر این اساس اطلاع رسانی به دو عامل "رضایت شهروندی" و "کار کرد دولتی در امنیت داخلی" تأثیر مثبت می‌گذارد و می‌توان فعالیتی امنیت ساز برای نظام تلقی شود. شباهت‌های فرهنگی و قومیتی میان ایران و ترکیه این دو را به دو روی یک سکه بدل کرده است، با این تفاوت که ایران در حال حاضر دارای یک حکومت مذهبی بوده و رهبر شیعیان در جهان اسلام محسوب می‌شود، این در حالی است که حکومت ترکیه بر پایه یک قانون اساسی سکولار بنا شده که بر اسلام سنتی تکیه دارد. همان طور که مقامات دو کشور و دیپلمات‌های آنان بارها اشاره کرده‌اند روابط دو کشور ایران و ترکیه می‌بایستی به صورت مستمر توسعه و بهبود یابد.

دکتر ناصر سلطانی به همراه علی قهرمان با تالیف کتاب «ژئوپولیتیک اقوام در ایران» در خصوص کانون تهدیدهای مستقیم و غیر مستقیم، تحریک پذیری قومی از سوی قدرت‌های فرا منطقه‌ای، نقش همسایگان در ایجاد بحران‌های قومی، آسیب‌های امنیتی ناشی از مناقشات، کنترل مرزها، نقش رسانه در حوزه اقوام جهت دست یابی به دیدگاه و معرفتی واقع گرایانه بحث نموده است و در مورد تحلیل‌های ژئوپولیتیکی و مصادیق ژئوپولیتیکی پدیده‌ها و رویکردهای غالب در اندیشه‌های ژئوپولیتیک جدید و نگرشی به اهمیت مساله کردها و آذری‌ها در ایران و منطقه و ارزیابی رفتار کردها و آذری‌ها بر حکومت مرکزی و همچنین در مورد رویکرد تاریخی بر تنش‌های قومی در

استان آذربایجان غربی، عوامل تشدید کننده تنش‌های قومی و بحران در مشارکت سیاسی و اجتماعی به رشته تحریر درآورده است.

«عبادی نژاد» در کتاب ژئوپولیتیک مرزهای ایران در مورد مفهوم حکومت و مرز در ایران و عوامل ژئوپولیتیک موثر بر ایران و مناطق مرزی در محیطی ویژه و سیستم خاص قرار دارند، بحث نموده است. نویسنده معتقد است بسیاری از عملکردها و ویژگی‌ها و خصوصیات مناطق مرزی در پاسخ به برخی از نیازهای آن صورت می‌گیرد که می‌توان دوری از مرکز مناطق مرزی، موقعیت جغرافیایی، تبادلات مرزی، تهدیدات خارجی و ناپایداری سکونت اشاره کرد. نویسنده اساس و مبانی شکل مرزها و خط سیر آن‌ها را گوناگون دانسته و در مجموع ناشی از توجه به امنیت، میراث تاریخی، موافقت نامه‌ها، درگیری‌های نظامی و... مد نظر خود قرار داده است و در نهایت شکل هندسی مرزها زاینده تفکرات ژئواستراتژیک دانسته و شکل هندسی مرزها را به صورت محدب - مقعر مستقیم تقسیم نموده است و در مورد شرح خط مرزی ایران و ترکیه که ابتدای سرحد بین ایران و ترکیه از ملتقای رود سد ارس و رود قره سو از علامت سرحدی نمره واقع در خاک ایران شروع و تا کوه دالامیر با علامت سرحد نمره ۹۹ سرحد ترکیه - عراق متصل می‌شود.

دکتر محمود واعظی در کتاب «بحران‌های بین‌المللی» در خصوص بحران و منازعه در روند تاریخی، ابعاد داخلی و خارجی منازعه و روش شناخت بحران‌ها و میزان تهدید و عوامل موثر در برداشت از تهدید و نقش ارتباطات داخلی و هماهنگی درون سازمانی و ارتباطات خارجی و رایزنی‌های دیپلماتیک و رویکرد کلی به تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی و منافع قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در ایجاد بحران و نظام بین‌المللی بحث نموده است و معتقد است بحران‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از نظر شدت و ضعف و گستردگی و نیز عمق درجه‌های متفاوتی دارند، فهم دقیق‌تر عوامل بروز بحران و دلایل گسترش آن، به معنای ریشه‌یابی عمیق‌تر بحران است.

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی در کتاب «کلیات روابط بین‌الملل در مورد روش و شیوه مطالعه روابط بین‌الملل، از روش‌های سه‌گانه توصیفی، تاریخی، موضوعی و نظری بحث نموده است. در مورد مناظره‌های نظری در روابط بین‌الملل و سطوح تحلیل بازیگران بین‌المللی و نقش دولت در سطح ملی بحث نموده است و بازیگران غیردولتی به منزله بازیگران بین‌المللی و مفهوم قدرت و نقش قدرت در روابط بین‌الملل و جایگاه موازنه قدرت و ائتلاف‌ها و اتحادها در روابط بین‌الملل و نقش امنیت و جایگاه آن در روابط بین‌الملل و انواع امنیت که شامل امنیت ملی، امنیت انسانی، امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی و نظریه‌های متعارض در خصوص امنیت از نوع واقع‌گرایی و نو واقع‌گرایی و لیبرالیسم و نولیبرالیسم و نقش جنگ و صلح و جایگاه دین و اسلام و فرهنگ در روابط بین‌الملل و همگرایی منطقه‌ای و تحول نظریه‌های

همگرایی منطقه‌ای و منطقه‌گرایی و سیاست خارجی که برگرفته از منبع فردی، حکومتی، جامعه‌ای، بین‌المللی و جهت‌گیری‌های لازم در سیاست خارجی و دیپلماسی بحث نموده است.

دکتر سید عبدالعلی قوام در کتاب «اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل» در خصوص مشکلات بررسی علمی رابطه بین الملل هدف و انگیزه مطالعه سیاست بین الملل و نقش دولت در سیاست بین الملل و تجزیه و تحلیل عناصر تشکیل دهنده دولت بحث نموده است و رهیافت تصمیم‌گیری و انواع مدل‌ها و تجزیه و تحلیل سیاست بین الملل بر اساس رهیافت قدرت، و ساختار نظام بین الملل و هدف‌های ملی و عوامل موثر در سیاست‌گذاری خارجی و استراتژی‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت و نقش نهادها و گروه‌های ذی‌نفع در تصمیم‌گیری‌های مهم سیاست خارجی و همگرایی و تعارض در سیاست بین الملل و نقد و ارزیابی نظریه‌های لیبرالیسم، نولیبرال، رئالیسم و نقش دولت به عنوان بازیگر اصلی در سیاست بین الملل و همچنین تغییر قواعد بازی میان بازیگران، باعث تحولاتی عمده در مفاهیم جنگ، صلح، امنیت دولت، حاکمیت، دیپلماسی و... باعث دگرگونی‌هایی شده و باعث تغییرات رویکرد، در رویدادهای بین‌المللی شده است به قلم تحریر در آورده است. لذا دیپلماسی و مدیریت بحران‌های مرزی می‌تواند نقش عوامل ژئوپولیتیک و کاربرد دیپلماسی و نقش کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در بحران مرزی ایران و ترکیه و تأثیرات آن را بر امنیت و بحران نوار مرزی ایران و ترکیه بحث و بررسی نمود.

دکتر سید حسین سیف زاده در کتاب «اصول روابط بین‌الملل» در خصوص پیچیدگی مسائل در روابط بین‌الملل، بحث و بررسی روش‌های تحلیل مورگان، کنت والتزسینگر و ارزش‌ها در روابط بین‌الملل و ساختار بازیگران و ساختار پویا نظام بین الملل و تأثیر حاکمیت در روابط بین‌الملل، قانونمندی‌های رفتاری ناشی از تعامل بازیگران ملی و بازیگران جهانی و منافع ملی و همچنین اهداف سیاست خارجی و ارزیابی سیاست خارجی و اجرای موفقیت‌آمیز سیاست خارجی بحث نموده است و معتقد است نظم نوین جهانی، نظم است که در حال شکل‌گیری بوده و این نظام ساختاری شبیه نظام‌های کنفدرال داشته و ساختارهای بازیگران و پویا‌های این نظم جدید از تعالی فرهنگ و تمدن ساخته شده است و امنیت ملی را امری نسبی و ذهنی دانسته است و حفظ تمامیت ارضی، حفظ جان مردم و بقاء و ادامه سیستم اجتماعی و حاکمیت کشور قلمداد نموده است.

«جان بلیتس» و «استیو اسمیت» در کتاب جهانی شدن - سیاست؛ روابط بین‌الملل در عرصه نوین، امنیت را به معنای رهایی از تهدیدات در مقابل ارزش‌های بنیادی دانسته اما درباره اینکه توجه و تمرکز اصلی باید در سطح فردی، ملی و بین‌المللی باشد. اختلاف نظرهای بسیاری

وجود دارد. نویسنده از نظریه «بوزان» بهره جسته که آیا ملاحظات امنیت ملی و امنیت بین الملل باهم سازگار هستند یا اینکه با توجه به ماهیت نظام بین المللی آیا کشورها می‌توانند به همکاری‌های بیشتر بین المللی و جهانی فکر کنند. بررسی ابعاد مختلف امنیت بین المللی و همچنین امنیت که مهمترین وضعیت دولت‌ها بوده و دولت‌ها همواره معتقد بوده‌اند که برای حفاظت و امنیت همواره باید به خود متکی باشند و هیچ راه دیگری در جهانی که مبتنی بر خوداری است وجود ندارد. بحث تنگنای امنیتی را مطرح نموده که ریشه‌های تنگنای امنیتی را عدم اطمینان و ترس دانسته است و دیدگاه‌های نهادگرایی لیبرال دموکراتیک در خصوص امنیت و نحوه رسیدن به آن بحث نموده است.

همچنین در کتاب سبز ترکیه که نویسنده آن «صابر قاسمی» بوده در مورد جغرافیای طبیعی و انسانی و سیاسی و ادیان و مذاهب کشور ترکیه و اوضاع و احوال مسائل اجتماعی، فرهنگی و نقش رسانه‌های گروهی را به تحریر در آورده است و در مورد مبانی و اصول سیاست خارجی ترکیه در قبال غربی‌ها در منطقه خاورمیانه و عوامل داخلی و خارجی موثر در سیاست‌های خارجی ترکیه در خصوص مسائل اعراب و اسرائیل و مساله کردها و احزاب کردی در ترکیه و استراتژی ترکیه در قبال اکو- عضویت در پیمان نظامی ناتو و روابط آن با دولت جمهوری اسلامی ایران بعد و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بحث نموده است.

در کتاب مدیریت بحران نوشته محمد مهدی زاده و مرتضی نخعی زاده و علی برزا، نگرشی اجمالی بر تعاریف و نظریه‌ها در زمینه مدیریت و بحران بحث و تبادل و نظر شده است. در این کتاب به مدیریت بحران و ضرورت آن و ویژگی‌های ساختاری آن اشاره شده است. بحران در این کتاب حالتی غیر منتظره و غافلگیر کننده است که به هنگام به وقوع پیوستن آن ضرورت دارد مردم دچار دستپاچگی نشوند. اگر چه بحران‌ها تکرار نمی‌شوند و تجربه یک بحران برای بحرانی دیگر عینا کارساز نیست، اما بشر برای پیشگیری از بروز بحران و مدیریت آن می‌تواند چاره اندیشی کند و کشور را از بحران و مشکلاتی که ناشی از آن است را نجات دهند.

نتیجه گیری:

بررسی تاریخ روابط ایران و ترکیه بیانگر آن است الی رغم رقابت بسیار شدید دو کشور از عراق تا شام و قفقاز، تهران و آنکارا همواره با یکدیگر در صلح و سازش بوده و به گسترش روابط فی مابین متمرکز کرده اند. امضای قراردادهای متعدد در حوضه انرژی و توسعه روابط تجاری نشان دهنده علاقه دوطرف برای حفظ آرامش و همکاری‌های دوجانبه به هنگام در خطر گرفتن منافعشان است.

با این وجود و به رغم بهبود روز افزون روابط تجاری با ایران و ترکیه، اختلاف نظرهای اساسی آنکارا و تهران در عراق و سوریه این دو امپراطوری قدیمی را در مسیر برخورد با یک دیگر قرار داده است. در همین راستا اگرچه هنوز برای اصلاح اختلافات طرفین نشست‌هایی صورت گرفته است و سران سیاسی و نظامی ایران و ترکیه به همراه روس در یک راستا قدم‌هایی برداشته‌اند که منافعشان تامین شود. بهترین راه در حال حاضر مذاکره و گفت و گو میان دو کشور و بر طرف شدن فضای بی اعتمادی میان آنهاست - ادامه مذاکرات مقامات دو کشور در بالاترین سطح می‌تواند کمک بسیار زیادی به حل و فصل اختلافات منطقه‌ای دو طرف شود به باور تحلیل‌گران سیاسی ایجاد یک کانال دیپلماتیک میان رهبران ایران و ترکیه و معرفی نمایندگان به منظور ایجاد شرایط و زمینه لازم جهت گفت و گو میان سران دو کشور از جمله اقداماتی است که می‌تواند مساعد نمودن روابط دو کشور شده و این روابط باعث شده کاهش چشمگیر درگیری در سوریه شده و تأثیرات دیپلماسی و نقش آن نمایان گردید و آمریکا و ترکیه از یک سو و ایران و روسیه همکاری‌های نظامی بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند و به باور تحلیل‌گران سیاسی باید در هر مرحله از نزدیکی تهران و آنکارا به یک دیگر ایفای نقش نمایند و روسها تلاش داشته تا زمینه نزدیکی بیشتر ایران و ترکیه در حل مسئله سوریه فراهم کند اما واشنگتن تاکنون تلاش در این راستا صورت نداده و تمایلی چندانی به مستحکم‌تر شدن روابط ایران و ترکیه ندارد.

حجم گسترده‌ی مبادلات تجاری میان ایران و آنکارا و از سوی دیگر وابستگی آنکارا به واردات گاز از ایران و در نهایت روابط گسترده اتباع دو کشور در زمینه‌ی تجاری و گردشگری از جمله دلایل مهمی است که ضرورت وجود صلح و آرامش میان ایران و ترکیه را نشان می‌دهد. سفر ستاد مشترک ارتش ترکیه به ایران با توجه به وضعیت سیاسی عراق و همه پرسی اقلیم کردستان و عضویت ترکیه در ناتو و از لحاظ سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی، متحد استراتژیک آمریکا است و ترکیه تاکنون با متحدین منطقه‌ای آمریکا مانند پاکستان، افغانستان، عربستان، قطر و امارات همکاری و قراردادهای نظامی به امضا رسانید که این سفر هر چند مخالفت‌های آمریکا را داشته است اما همکاری ایران و ترکیه را زمینه آرام در مرزهای هر دو کشور را فراهم خواهد ساخت و باعث گسترش روابط سیاسی - اقتصادی، فرهنگی خواهد شد.

در همین چارچوب ایران و ترکیه برای خنثی کردن این اقدامات امپریالیستی و صهیونیستی باید همکاری مشترکی داشته باشند هر چند که اردوغان در مراحل اولیه با سیاست‌های اشتباه در سوریه و عراق باعث شد به بحران دامن زده شود و بحران سوریه و عراق شدید شود و گروهک داعش گسترش یابد اما بعدها سیاست اردوغان تغییر نموده و با سیاست‌های ایران و روسیه همراه گردید. برای مقابله با طرح خاورمیانه بزرگ ایران و ترکیه با همکاری نزدیک با یک دیگر می‌توانند

ثبات خوب امنیتی، سیاسی و نظامی خوبی را فراهم ساخته و از تجربه منطقه و نفوذ بیشتر آمریکا و اسرائیل در منطقه پیشگیری نمایند که این مذاکرات نتیجه داد و رفراندوم اقلیم کردستان عراق که یک برنامه ریزی آمریکایی و اسرائیلی بود با شکست روبرو گردید. یکی از موضوعات مهمی که می‌توان درباره‌ی ایران و ترکیه مطرح کرد عدم شکل‌گیری یک رابطه راهبردی به عنوان دو کشور مهم و تاثیرگذار در منطقه بودند و کشور ترکیه در همکاری‌های خود با عربستان می‌بایستی به نحوی عمل کند که این همکاری‌ها ایران را تحت شعاع قرار ندهد آمریکا با تشکیل مثلث آمریکا، ترکیه و عربستان و در کنار آنها اسرائیل طرحی را پیاده می‌کنند که ایران را در منطقه مهار نموده و به انزوا بکشانند و اسرائیل و عربستان و اجرای طرح آمریکایی و حمایت نمود و تنها کشوری که می‌تواند جلوی این طرح را بگیرد، ترکیه می‌باشد.

اگر بخواهیم در منطقه آرامش برقرار شود بدون تغییر بازیگران مداخله‌گر و بازیگران منطقه‌ای راه به جایی نمی‌بریم. هر چند پارادایم‌های حاکم بر منطقه بعد از بحران ۷ ساله عراق و سوریه دچار تغییرات بنیادی خواهد شد و حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه از جمله آمریکا کشورهای اروپایی و روسیه به صورت‌های دیگر برجسته خواهد شد اگرچه سیاست خارجی ترکیه بر مبنای نوع‌ثمنی‌گرایی که توسط داود اوغلو مطرح شد و حزب عدالت و توسعه آن را در دستور کار خود قرار داده است و از سوی دیگر ترکیه در بحث الحاق به اتحادیه اروپا با مشکلات بسیاری مواجه بوده است سیاست خارجی ترکیه ارتقای نقش جهانی خود می‌باشد و خودش را می‌خواهد به اروپا و اسرائیل نزدیکتر نماید و چتر بازیگری خود را ارتقا بخشد. مهم‌ترین ساختار شناسی بازیگران، همکاری، تقابل، رقابت و ائتلاف در حال تعامل با یک دیگر بوده و دولتهای ایران - عربستان، ترکیه، مصر، عراق و سوریه و رژیم صهیونیستی به همراه پنج عضو دائم شورای امنیت (آمریکا، روس، انگلیس، چین، فرانسه) عمده‌ترین دولت‌های بازیگر در منطقه بوده‌اند و قطر و امارات هم می‌خواهند نقشی در منطقه داشته باشند اما ایران - ترکیه و عربستان و اسرائیل در واقع یکی از اصلی‌ترین بازیگران در منطقه خاورمیانه می‌باشند.

آمریکا که یکی از بازیگران فرامنطقه‌ای می‌باشد که حفظ و کنترل امنیت انرژی و حفظ امنیت اسرائیل دو اولویت اصلی واشنگتن بوده است. روسیه و چین به خاطر پرونده‌ی هسته‌ای ایران و پرونده‌ی سوریه به صحنه‌ی بازی در منطقه بازگشتند و انگلیس هم افکار و سیاست آمریکا را دنبال نموده و فرانسه هم نقش نسبتاً فعال در پرونده‌های مرتبط با لبنان و سوریه از خودشان نشان داده است. سازمان‌های بین‌المللی همچون اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، شورای امنیت، سازمان ملل متحد به عنوان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بازیگران در صحنه به شمار می‌آیند و سازمان‌های غیردولتی می‌باشند همچون اخوان المسلمین، حماس، حزب الله، القاعده،

حزب دموکرات کردستان، اتحادیه میهنی کردستان عراق، حزب کارگران کردستان ترکیه و... از بازیگران غیر دولتی فعال در صحنه منطقه خاورمیانه هستند. بنابراین منطقه مرزی ایران و ترکیه در منطقه‌ای حساس و استراتژیک واقع شده است که مانند گاز باروت بوده که منتظر یک جرقه می‌باشد که با مدیریت، دیپلماسی مطلوب بین ایران و ترکیه و مانع شدن از هرگونه دخالت کشورها و سازمان‌های فرامنطقه‌ای و حتی جلوگیری از دخالت سایر کشورهای منطقه‌ای که سیاست‌های غرب را پیاده می‌کنند می‌تواند مرزهای ایران زمینه همکاری های، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی باشد که به نفع هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه باشد و از بروز هرگونه بحران جلوگیری به عمل آورد و اگر بحرانی ما بین ایران و ترکیه رخ بدهد هزینه‌های گزافی برای هر دو کشور رقم خواهد خورد. لذا تداوم حضور نظامی و اطلاعاتی آمریکا در منطقه، جنگ طلبی اسرائیل، تقویت گروهک‌های تروریستی، چگونگی تشکیل دولت فلسطین، مسائل سیاسی لبنان، جنگ قدرت‌های رقیب در فضای سیاسی سوریه، گسترش آرام و تدریجی پیمان ناتو در کشورهای عرب، اختلافات قومی و مذهبی (شیعه و سنی) و غیره. همه ی بازیگران با تمامی ابزارهای قدرت ملی - خواهان افزایش نقش و نفوذ خود بر مبنای مهار و نفوذ هستند تا منطقه را به نفع خود رقم بزنند.



منابع

- ۱- ازغندی، علیرضا. (۱۳۹۱) "تغییر اجتماعی و توسعه (نگاهی به نظریه‌های نوسازی، وابستگی و نظام جهانی)"، ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲- امام خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۶۹) "تحریر الوسیله"، فصلنامه دفاع، جلد اول.
- ۳- امام خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۶۹) "صحیفه نور". تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ج ۱۶. ۱۸.
- ۴- پرسکات. (۱۳۵۶). گرایش‌های تازه‌در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر حیدر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵- پرنیان، امیر، قربانی گلشن آباد، محمد، یوسفی جویباری، محمد، (۱۴۰۲)، آسیب‌ها و فرصت‌های اقتصادی سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز (مطالعه موردی ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان)، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۲ (۴۳)، ۲۲۵-۲۴۱.
- ۶- جعفری سرشت، داوود، سلمانپور، علی، شکوهی فرد، سیامک. (۱۳۹۸)، اثر امنیت اقتصادی و تجارت خارجی بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی: کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی)، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۸ (۲۷)، ۱۷۳-۱۵۷.
- ۷- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۷۹). مطالعات سیاسی و اجتماعی. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، جلد دوم.
- ۸- حقیقت، سید صادق. (۱۳۹۴). قم، دانشگاه مفید.
- ۹- خطابی، غلام حسین. (۱۳۷۴). مرزبانی. تهران: معاونت آموزشی ناجا، چاپ اول.
- ۱۰- درایسول، الایرواج، بلیک، جدالد. (۱۳۷۴). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ چهارم.
- ۱۱- رحمتی راد، محمد حسین. (۱۳۷۴). مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه. تهران: معاونت آموزشی ناجا،
- ۱۲- سیف زاده، سیدحسین. (۱۳۸۵). اصول روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، نشر میزان.

- ۱۳- عاملی، شیخ حر.(۱۴۰۱.ق). وسائل الشیعه: ناشر مکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، جلد ۲، باب ۱۴ روایت ۲۵۰۱۰.
- ۱۴- فیروزآبادی دهقانی، سیدجلال.(۱۳۹۵). کلیات روابط بین الملل. تهران: نشر مخاطب.
- ۱۵- فیروزآبادی دهقانی، سیدجلال.(۱۳۹۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۶- قوام، سید عبدالعلی.(۱۳۹۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل. تهران: انتشارات سمت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- ۱۷- لرنی، منوچهر.(۱۳۸۳). امنیت ملی و دفاع از ارزش ها. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا معاونت آموزش.
- ۱۸- کریمی پور، یدالله.(۱۳۸۱) "ایران و همسایگان منابع و تنش و تهدید". تهران: انتشارات دانشگاه تربیت علوم.
- ۱۹- متقی، جلال.(۱۳۷۷) "امنیت و اقتصاد". نشریه امنیت، سال دوم شماره چهار: نشر وزارت کشور، حوزه معاونت امنیت و انتظامی
- ۲۰- مطهری، مرتضی(۱۳۶۱) "بیست گفتار". قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، چاپ هشتم.
- ۲۱- ی.سو، آوین.(۱۳۹۰) "تغییر اجتماعی و توسعه(مروری بر نظریه‌های نوسازی، وابستگی و نظام جهانی)", ترجمه محمود حبیبی مظاهر. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- 22- Hoffman,stanly.(1981 summer).security in the age of turbulence , means of response in third world conflict and international security, Adelpani papers, no157.
- 23- In RehmanIqbalur.(1992). National secreity and the problem of unconventional warfare.Delhi: Kanishka publishing housd.
- 24- R.cooper.(1977). Olveygoldman Kelly 1984,ch.14